

بررسی تحلیلی- تطبیقی حریم خصوصی زنان در خانواده

هاله حسینی اکبرنژاد*، سوده آیت‌اللهی**

چکیده

درباره‌ی تعریف و مصادیق حق حریم خصوصی اختلاف نظر وجود دارد و این مسئله در مورد حق حریم خصوصی زنان قدری پیچیده‌تر نیز می‌شود. در غرب، بر مبنای فردگرایی افراطی و تقدم حقوق و آزادی‌های فردی، حریم خصوصی افراد با نگاهی مادی‌گرایانه پیوند خورده و در نتیجه نقش‌های خانوادگی مانند مادری و همسری تنزل یافته است. درحالی‌که در مبانی اسلامی بر مبنای نیازمندی زن و مرد به یکدیگر، خانواده و مصالح آن در اولویت قرار می‌گیرد و اخلاق محور اصلی شکل‌گیری روابط درون خانواده می‌شود؛ بنابراین حریم زنان به گونه‌ای تعریف می‌شود که برخلاف حفظ شأن انسانی و حریت وی با مصالح عالی‌ه‌ی خانواده در تعارض نباشد. در دهه‌های اخیر، مباحث مهمی مانند ارتباط نقش‌های خانوادگی با حریم خصوصی زنان و یا حق تصمیم‌گیری زنان در امور مرتبط با خانواده از جمله باروری در حوزه‌ی عمل و نظر مطرح شده‌اند. با توجه به آموزه‌های اسلامی و نقد سایر مکاتب این مقاله به تبیین این مسئله‌ی مهم خواهد پرداخت که حریم خصوصی زنان در قلمرو خانواده و متناسب با کارکردهای آن چگونه تعریف و تعدیل می‌شود و حق تصمیم‌گیری ایشان در ضمن ایفای نقش‌های خانوادگی همچون مادری و همسری محترم شمرده خواهد شد.

واژگان کلیدی

حریم خصوصی، زنان، خانواده، همسری، مادری.

*. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده‌ی مسئول)
(Akbarnejad@soc.ikiu.ac.ir)

** دانشجوی دکتری رشته مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (sude.ayat@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۲۸

۱- مقدمه و بیان مسئله

بهره‌مندی از حریم خصوصی و پاسداشت آن در طول تاریخ برای افراد بشر ارزشمند بوده است. اگرچه این عنوان عمری در حدود یک قرن دارد، مفهوم آن -که برآمده از نیاز فطری انسان است- همیشه مطالبه شده است. تحولات عصر جدید حساسیت بیشتر انسان را به موضوع حریم خصوصی معطوف داشته، به گونه‌ای که ابعاد مختلف این حق بسیار بیشتر از گذشته بحث شده است. هر انسانی برای خود حریمی متصور است که انتظار دارد از دسترس سایرین دور مانده و بدون رضایت وی برای دیگران مکشوف نشود. این نیازمندی به امنیت شخصی و مصون ماندن زندگی از تعرضات از لوازم و مقدمات حیات جمعی است. حریم خصوصی ابعاد و مقولات متنوعی دارد. برخلاف اینکه بیشتر مقولات حریم خصوصی جنسیت‌بردار نیست و شامل «انسان» (فارغ از جنسیت) می‌شود، ولی نمی‌توان انکار کرد معضلاتی در این باره وجود دارد که زنان را به مقوله‌ی حریم خصوصی حساس‌تر از مردان کرده است. حریم خصوصی زنان را می‌توان در دو سطح خانواده و اجتماع بررسی کرد که موضوع این مقاله محور اول است. هرچند تفکر اسلامی درباره‌ی حریم خصوصی زنان در عرصه‌ی اجتماع با تفکر غربی قرابت‌های زیادی دارد، در عرصه‌ی خانواده این دو تفکر تفاوت‌های بنیادین و جدی دارند که نیازمند تحلیل است. در غرب، فردگرایی در محیط خانواده سبب می‌شود که پیوند اعضای خانواده تنها بر پایه‌ی منافع شخصی باشد و بنابراین حریم خصوصی با نگاهی مادی‌گرایانه پیوند خورده است. در حالی که در مبانی اسلامی برمبنای نیازمندی زن و مرد به یکدیگر، خانواده و مصالح آن در اولویت قرار می‌گیرد و اخلاق محور اصلی شکل‌گیری روابط درون خانواده می‌شود؛ بنابراین حریم فرد (به‌ویژه زن) به گونه‌ای تعریف می‌شود که برخلاف حفظ شأن انسانی و حریت وی با مصالح عالی‌هی خانواده در تعارض نباشد. به این ترتیب، با توجه به آموزه‌های اسلامی و نقد سایر مکاتب، این مسئله‌ی مهم تبیین خواهد شد که حریم خصوصی زنان در قلمرو خانواده و متناسب با کارکردهای آن چگونه تعریف و تعدیل می‌شود و حق تصمیم‌گیری ایشان در ضمن ایفای نقش‌های خانوادگی همچون مادری و همسری محترم شمرده خواهد شد. در این مقاله، ابتدا مفهوم حریم خصوصی و مبانی نظری رابطه‌ی حریم خصوصی فردی زنان با اصول حاکم بر خانواده بررسی تطبیقی-تحلیلی خواهد شد. سپس برخی مصادیق حریم خصوصی زنان در خانواده، حق تصمیم‌گیری زنان در امور خانوادگی و رابطه‌ی نقش‌های خانوادگی و حق حریم خصوصی زنان بیان می‌شود و در انتها به کارکرد اخلاق در موضوع حریم خصوصی زنان در خانواده توجه خواهد شد.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

در ایران در مورد حق حریم خصوصی پژوهش‌هایی انجام شده است. از میان کتب می‌توان به حقوق حریم خصوصی نوشته‌ی دکتر باقر انصاری، حقوق فناوری اطلاعات نوشته‌ی حمیدرضا اصلانی، حقوق حمایت داده‌ها نوشته‌ی محمدعلی نوری و رضا نجوانی و حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی نوشته‌ی دکتر رحیم نوبهار اشاره کرد. همچنین مقالاتی به رشته‌ی تحریر درآمده است که در تألیف این مقاله از آنها بهره گرفته شده است؛ از جمله مقاله علی غلامی با عنوان «اتلاق یا تقیید حریم خصوصی و الزامات تحدید یا نقض آن» که ضمن تأکید بر مطلق نبودن حریم خصوصی افراد در چارچوب قوانین و مقررات بر ضرورت حمایت مؤثر از آن تأکید شده است. در منابع خارجی نیز مقالات و کتب متعددی در مورد حریم خصوصی دیده می‌شود، از جمله *Uneasy access* که پروفیسور آنیتا آلن در باب حریم خصوصی زنان در سال ۱۹۸۸ (در آمریکا) آن را به رشته‌ی تحریر درآورده است، اما پژوهشی که به طور خاص بحث تطبیقی-تحلیلی حریم خصوصی زنان در نظام خانواده را بررسی می‌کند، وجود ندارد. این مقاله با رویکرد تطبیقی و مبتنی بر موازین اسلامی درصدد طرح مباحث و چالش‌های جدید مرتبط است.

۹

۳- تعریف حریم خصوصی

مفهوم «حریم خصوصی» در علوم مختلفی چون حقوق، فلسفه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ارتباطات و ... و به طور کلی در مباحث مربوط به انسان‌شناسی بررسی و واکاوی می‌شود. در حوزه‌ی حقوق، مفهوم حریم خصوصی اصطلاحی به نسبت جدید است که با رشد و پیشرفت تمدن‌های بشری موضوعیت جدی‌تری یافته است. البته به دلیل گستردگی و سیالیت این مفهوم و تنوع و تکثر مصادیق آن، تاکنون در علم حقوق، تعریفی که بتوان آن را جامع افراد و مانع اغیار دانست مطرح نشده است. در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی تعاریف و شاخص‌های متعددی برای آن بیان شده است (انصاری، ۱۳۸۶: ۲۰-۱۸). در بیانیه‌ی کنفرانس حقوق‌دانان اروپای شمالی درخصوص حق احترام به حریم خصوصی^۱ تعریفی کاربردی و عملی از حریم خصوصی بیان شده است. این بیانیه به تفصیل، آنچه را که «حق بر تنها ماندن» شامل می‌شود، تشریح می‌کند و مطابق بند ۲ حق بر حریم خصوصی حق شخص است بر تنها ماندن برای گذراندن زندگی خصوصی با حداقل میزان مداخله‌ی دیگران.^۲ همچنین شورای اروپا در قطعنامه‌ی حریم خصوصی را به شرح زیر

1-The Declaration of the Nordic Conference of Jurists on the Right to Respect for Privacy. Available at: www.hklii.org/hk/other/hklrc/cp/1999/08-1-2.html

۲- حق فرد بر مصون ماندن زندگی‌اش در برابر: مداخله در زندگی خصوصی، خانوادگی و منزل وی؛ مداخله در تمامیت

تعریف کرده است:

حق حریم خصوصی مربوط می‌شود به زندگی خصوصی، خانوادگی و مسکن، تمامیت جسمی و روحی، آبرو، اعتبار و شهرت و حیثیت افراد، اجتناب از اینکه چهره‌ای کاذب از فرد ساخته شود، افشا نکردن وقایع و حقایق نامربوط و آزار دهنده، عدم افشای غیرمجاز تصاویر خصوصی، حمایت از عدم افشای اطلاعاتی که بر اثر اعتماد، اشخاص وصول کرده‌اند یا در اختیار آنها قرار گرفته است.^۱

در تعریف دیگری آمده است:

حق حریم خصوصی، قلمرویی از اطلاعات و متعلقات هر فرد است که آن فرد نوعاً یا عرفاً یا با اعلام قبلی به نحو معقولی انتظار دسترسی نداشتن دیگران به اطلاعات مربوط به آن و مصونیت از ورود، نگاه و نظارت دیگران یا هرگونه تعرض نسبت به آن قلمرو را دارد (محسنی، ۱۳۸۹: ۳۵).

تعریف حریم خصوصی مطابق بند (پ) ماده ۱ آیین‌نامه قانون دسترسی آزاد به اطلاعات عبارت است از:

قلمروی از زندگی شخصی فرد که انتظار دارد دیگران بدون رضایت یا اعلام قبلی وی یا به حکم قانون یا مراجع قضایی آن را نقض نکنند؛ از قبیل حریم جسمانی، وارد شدن، نظاره کردن، شنود و دسترسی اطلاعات فرد از طریق رایانه، تلفن همراه، نامه، منزل مسکونی، خودرو و آن قسمت از مکان‌های اجاره شده خصوصی نظیر هتل و کشتی، همچنین آنچه که حسب قانون فعالیت حرفه‌ای خصوصی هر شخص حقیقی و حقوقی محسوب می‌شود؛ از قبیل اسناد تجاری و اختراعات و اکتشافات.

همچنین در ماده ۲ لایحه حمایت از حریم خصوصی آمده است:

حریم خصوصی، قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چهارچوب قانون انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا در آن قلمرو وی را مورد

جسمانی و معنوی و روانی با آزادی معنوی و فکری او از سوی دیگران؛ حمله و هجمه به شرافت و آبروی فرد؛ قراردادن شخص در موقعیتی کاذب و دروغین؛ افشای واقعیات خجالت‌آور و ناراحت کننده و نامربوط به دیگران در مورد زندگی خصوصی افراد؛ استفاده از نام و هویت و شباهت فرد؛ جاسوسی، پاییدن و به ستوه آوردن فرد؛ مداخله در مکاتبات، مراسلات و مخابرات فرد؛ سوء استفاده از ارتباطات خصوصی فرد اعم از کتبی و شفاهی؛ و افشای اطلاعات داده شده یا دریافت شده توسط آن شخص در شرایط اعتماد حرفه‌ای.

1-Resolution 428 of the Consultative (parliamentary) Assembly of the Council of Europe (1970).

تعرض قرار ندهند؛ منازل و اماکن خصوصی، حریم خلوت و تنهایی افراد، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران و حریم جسمانی افراد، حریم خصوصی محسوب می‌شوند.^۱

بنابراین می‌توان حریم خصوصی را چنین تعریف کرد: «محدوده‌ی مادی و معنوی متعلق به هر شخص که باید از مداخله‌ی غیرمعمول و بدون اجازه در امور شخصی ایشان حفاظت شود» (غلامی، ۱۳۹۳: ۶۳).

۴- مبانی حریم خصوصی زنان و اصول حاکم بر خانواده

مفهوم خانواده و زندگی خانوادگی ارتباط نزدیکی با حریم خصوصی زنان دارد. «منزل» مکانی است که افراد در آنجا آرامش فکر و جسم خود را باز می‌یابند و ارتباطات صمیمی خود را شکوفا می‌کنند. منزل جایی است که می‌تواند حوزه‌ی حمایت‌شده‌ی زندگی خانوادگی را پوشش دهد و تداعی‌کننده‌ی روابط صمیمی و نزدیک خانوادگی و عاطفی باشد (Solove, 2002: 1138). درباره‌ی حدود و قلمرو حریم خصوصی زنان در عرصه‌ی خانواده، میان رویکرد فمینیسم و اسلام، تفاوت‌های بنیادین و جدی وجود دارد که در ادامه بیان می‌شود.

در دهه‌های اخیر، نظریه‌پردازان فمینیست از رد یا اصلاح خانواده طرفداری کرده‌اند. فمینیست‌های رادیکال بر این باورند که خانواده‌های مردسالار تک‌همسری مدرن - به دلیل الزام کردن زنان به اطاعت- با عدالت اجتماعی مغایرند و از این‌رو این شکل از خانواده پذیرفته نیست. برخی نیز ضمن انتقاد از خانواده‌ی مردسالار تأکید کرده‌اند که خانواده نهادی است که ظرفیت جایگزینی دارد. هرچند معضل حریم خصوصی در خانه برای زنان می‌تواند در خانواده‌های مردسالار بیشتر مطرح باشد، این معضل در خانواده‌های تحت سرپرستی زنان و خانواده‌های تساوای گرا که زنان در قدرت تصمیم‌سازی با همسر خود مشارکت دارند نیز مطرح است (Allen, 1988: 85). شارلوت پرکینز گیلمن^۲ در اثر خود به نام *زنان و علم/اقتصاد* ادعان می‌کند که میان زندگی خانوادگی و حریم خصوصی تعارض جدی وجود دارد:

حریم خصوصی ما در خانه، حریم خصوصی خانوادگی است که نوعی حریم خصوصی جمعی می‌باشد و در واقع این حریم خصوصی بیش از آنکه حریم خصوصی فردی را تضمین کند، آن را نقض می‌کند... خانه اولین مکانی است که هیچ‌یک از اعضای آن نمی‌تواند هیچ

۱- لایحه پیشنهادی حمایت از حریم خصوصی.

حریم خصوصی داشته باشد... این امر، زنان را بیشتر از مردان تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا مردان اوقات بسیار کمی را در خانواده سپری می‌کنند و بیشتر در خارج از آن بسر می‌برند (Perkins Gilman, 898: 258).

برخلاف دیدگاه گیلمن، آلن^۱ معتقد است، حریم خصوصی در یک زندگی خانوادگی نیز می‌تواند وجود داشته باشد. در واقع، در مواردی که خانواده کوچک است، فضای کافی برای اعمال حریم خصوصی وجود دارد و احترام متقابل، نظم و همکاری بر آن حاکم است. با این همه، زندگی خانوادگی عرصه‌ی ظهور یک تعارض بالقوه میان حریم خصوصی کامل - به ویژه برخورداری از استقلال و فردیت - از یک سو و مشارکت کافی در ایفای مسئولیت‌ها در قبال خانواده از سوی دیگر است (Allen, 1988: 84) به این ترتیب، تأکید افراطی بر رهیافت فردگرایانه و اولویت‌دهی مطلق به حقوق و آزادی‌های فردی مبنای اصلی شناسایی حریم خصوصی زنان است که البته در قلمرو خانواده نیز با تعارض‌ها و چالش‌هایی مواجه است.

در مفهوم اسلامی، فردگرایی از دو جهت با فردگرایی غربی تفاوت بلکه تضاد دارد؛ یکی از جهت تعریف فرد و دیگری از جهت تفسیر سعادت او. تعریف غرب از انسان و فرد انسانی با حقیقت انسان از دیدگاه اسلام تفاوت آشکار دارد. در این نگاه، انسان دو ویژگی اساسی دارد: یکی، آرزوها و خواسته‌های شخصی؛ و دیگری، عقل ابزاری یا عقل معاش. در معارف اسلامی، هویت اصیل و فردیت انسان به نفس و روح ملکوتی اوست و جسم مادی ابزاری برای تکامل و تأمین نیازهای واقعی انسان است؛ بنابراین اسلام ضمن تأکید بر بعد جاودان و پایدار حیات انسانی از توجه همه‌جانبه به لایه‌های گوناگون حیات فرد غافل نمی‌ماند. در تبیین نیازمندی‌های واقعی انسان نیز میان اسلام و غرب اختلاف است؛ فرهنگ غرب تنها بر نیازهای فردی و مادی توجه می‌کند و از نیازهای متعالی و اجتماعی غافل است، در حالی که اسلام فرد انسانی را با همه‌ی نیازمندی‌های مادی و معنوی می‌نگرد و به تأثیر مناسبات اجتماعی و خانوادگی در رشد و کمال فرد توجه فراوان دارد. از این رو، هرچند شریعت اسلامی در نهایت به مصالح فرد و نیازمندی‌های او توجه می‌کند، به دلیل ارتباط چندسویه میان فرد، جامعه و خانواده، همواره مصالح اجتماعی نیز در راستای سعادت افراد در نظر گرفته می‌شود (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۱: ۴۸ و ۴۹). از نظر مبانی اسلامی، خانواده بهترین محل پیوند زن و مرد و بیشترین زمینه‌ساز کمال آن دو است.^۲ اسلام با

1- Allen

۲- تربیت فرزند و کارآمد کردن اعضای خانواده بهترین خدمتی است که خانواده به جامعه ارائه می‌دهد. جایگاه رفیع خانواده در نگرش اسلامی موجب شده است که به عنوان مهم‌ترین بنیان اجتماعی مورد توجه خاص قرار گیرد و منافع خانواده در

اصل قراردادن کانون خانواده در وظایف زن و مرد، به دیگر وظایف اجتماعی انسان‌ها نیز جهت و معنای مشخصی بخشیده است (همان، ۸۳ و ۸۴).

در نقد شاخصه‌ی اصلی فرهنگ جدید غربی در موضوع خانواده یعنی «فردگرایی» باید گفت که محور بودن فرد در خانواده سبب می‌شود که پیوند اعضا تنها بر پایه‌ی منافع شخصی باشد، به طوری که اعضا هر زمان که منافع شخصی‌شان ایجاب کند، خانواده را ترک می‌کنند. در چنین خانواده‌ای اعضا نسبت به یکدیگر - آن‌طور که باید - احساس مسئولیت نمی‌کنند و روابط والدین و فرزندان استحکام لازم را ندارد^۱ (میشل، ۱۳۷۰: ۳۴). در تطبیق و تحلیل تفاوت مبنای حق حریم خصوصی زنان از منظر اسلام و غرب، مروری بر اصول اسلامی حاکم بر خانواده ضروری است؛ چراکه در این الگو و نظام جامع می‌توان مبنا و قلمرو حقوق اعضای خانواده از جمله حق حریم خصوصی زنان را یافت.

در آموزه‌های اسلامی به اصل تحکیم و ثبات خانواده توجه ویژه شده و کلیه‌ی اصول حاکم بر روابط خانوادگی بر آن استوار است. از مجموعه آیات قرآن می‌توان نتیجه گرفت که قرآن حتی در زمان بیان احکام حقوقی طلاق، سعی بر حفظ و تحکیم خانواده دارد و تا آنجا که امکان دارد، شرایطی را برای طلاق تعیین کرده که با بروز اختلافات جزئی، زن و مرد نتوانند به راحتی از هم جدا شوند، در حالی که هیچ‌یک از این موارد در نکاح شرط نشده است (مهدوی‌کنی، ۱۳۹۲: ۷ و ۸). کرامت انسانی نیز از اصول بنیادین ناظر بر خانواده در اسلام است. کرامت، شرافت درونی و دوری از پستی و لثامت نفس است. این کرامت مخصوص زن یا مرد نیست؛ چراکه در بُعد انسانی تفاوتی میان آنها نیست، اما پاسداشت کرامت زن موضوعی است که به چگونگی حضور زن در جامعه و خانواده جهت می‌دهد و موجب ترسیم الگوی مطلوب روابط زن و مرد در خانواده خواهد شد (جلائیان و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۶). ازدواج تعاملی اجتماعی است که نقش مهمی در کرامت انسان دارد و زمینه‌ساز آرامش روحی و روانی و بسترساز رشد ایمان، عقاید و تکامل انسانی قلمداد می‌شود. استفاده از مبانی کارآمد دینی در تعامل و ارتباط زن با جامعه و همچنین جامعه با او راز کرامت و سربلندی اوست. حفظ کرامت زن در تمام دستورات و تکالیف اسلامی به خصوص در

قیاس با دیگر نهادها به طور ویژه مورد عنایت باشد. بنابراین در تنظیم روابط اجتماعی و ارائه الگوی حضور و مشارکت اجتماعی زنان، باید آثار این فعالیت‌ها در تحکیم یا تضعیف پیوندهای خانوادگی مورد مطالعه قرار گیرد و برآیند تمامی طرح‌ها هم‌جهت با رشد و پویایی خانواده باشد.

۱- بیشتر کشورهای غربی در حال حاضر با تجربه‌ی افزایش تعداد افراد و به ویژه جوانانی روبه‌رو هستند که مجرد زندگی می‌کنند. فردمحوری و نیاز به شادمانه زیستن بر همه‌چیز غلبه دارد. اکنون اروپاییان کمتر مایل‌اند به قانون‌گذاران اجازه دهند برای زندگی خصوصی آنها قوانین رفتاری وضع کنند.

حوزه‌ی خانواده همواره تأکید شده است؛ دیدگاه اسلامی هر یک از زن و مرد را در جای خویش قرار می‌دهد و با ترسیم نقشه‌ی راه، وظیفه‌ی هر یک را به‌گونه‌ای تبیین کرده است که در ضمن حفظ کرامت انسانی، راه تعالی و رشد بر هیچ‌کدام بسته نباشد (همان: ۱۲۵ و ۱۲۶). در تنظیم و تعدیل مناسبات خانوادگی در ضمن رعایت حریم خصوصی زنان به این اصل نیز توجه شده است. اصل حسن معاشرت در خانواده، در دو محدوده‌ی مرزهای حقوقی و دستورات عمل‌های اخلاقی تعیین می‌شود. تعبیر «حسن معاشرت» که برای شوهر یک وظیفه و برای زن حق است، عامل تحکیم زندگی خانوادگی است. حقوق و تکالیف در خانواده جنبه‌ی فردی ندارد، بلکه در سایه‌ی خدمت متقابل طرفین امکان ظهور می‌یابد. موازنه در اجتماع خانواده با وجود یک تقابل صحیح و ترکیب موزون از روابط پدید می‌آید که نه تنها در راستای حفظ منافع فردی و اجتماعی است، هدفی مقدس چون تشکیل و استحکام نظام خانوادگی را نیز تعقیب می‌کند. این توازن در سایه‌ی تعیین وظایف به‌وجود می‌آید و رمز تثبیت این موازنه عمل به معروف است. در حیات فردی و اجتماعی انسان، امنیت از حقوق اولیه و اصول مهم رشد و پایداری است. این اصل در خانواده حساسیت ویژه‌ای دارد. خانواده نیازمند امنیت درونی و بیرونی است. کسب اجازه‌ی مؤمنین برای ورود به خانه‌ی یکدیگر در اسلام، از جمله سفارشات است که خداوند برای حمایت از حریم خانواده وضع کرده است.^۱ در این حکم صیانت از دو جنبه‌ی مادی و معنوی خانواده مورد نظر است. امنیت و ثبات در خانواده عامل اصلی تحکیم خانواده است و سلامت روحی، آرامش روانی و نبود اضطراب بین اعضای خانواده نتیجه‌ی این امنیت است که با نقش‌آفرینی همسران و داشتن حس مشترک، همبستگی، همدلی، تفاهم و حس اعتماد بین آنها به وجود می‌آید (حسینی اکبرنژاد و شوشتری، ۱۳۹۵: ۱۴۰)؛ بنابراین از منظر اسلام حق حریم خصوصی زنان در خانواده در چارچوب اصولی مانند تحکیم و ثبات خانواده، کرامت و حسن معاشرت تعریف شده که ناظر به رشد و تعالی فرد و خانواده است و اعضای خانواده برای برقراری توازن و تعادل میان حقوق و تکالیف فردی و نقش‌های خانوادگی ناگزیر از اهتمام بر اجرای توأمان آموزه‌های حقوقی و رهنمودهای اخلاقی هستند. این در حالی است که از منظر اندیشمندان غربی، تعارض میان حق حریم خصوصی زنان با خانواده و نقش‌های خانوادگی جدی و حتی حل‌ناشدنی است.

۵- قلمرو حریم خصوصی زنان در خانواده

درباره‌ی تعارض میان حریم خصوصی زنان و خانواده - که محور کلیدی دیدگاه بسیاری از اندیشمندان غربی است - و حل آن تاکنون راه‌کارهایی پیشنهاد شده است که برخی از آنها به ترتیب ذیل می‌باشد:

۵-۱. حریم خصوصی فراخانوادگی

آن معتقد است، چنانچه برخورداری از نوعی حریم خصوصی فراخانوادگی امکان‌پذیر شود، تعارض میان حریم خصوصی زنان در خانواده و زندگی خانوادگی (حریم جمعی خانواده) حل‌شدنی است. این بدان معناست که با نوعی برنامه‌ریزی و همکاری اعضای خانواده، زنان می‌توانند هم فرصت‌های مفیدی برای خلوت و تنهایی خود به دست آورند و هم‌زمان به وظایف و نقش‌های مادری و همسری و مشارکت در امور مربوط به خانه بپردازند. به این ترتیب نقش مادری و خانواده نیز برای دستیابی به حریم خصوصی فردی زنان رد نمی‌شود (Allen, 1988: 84).

۵-۲. عدالت اخلاقی و اصل فرصت منصفانه

راهکار دیگر برای حل تعارض مذکور، اصل فرصت منصفانه است که جان‌رالز^۱ در کتاب خود به نام نظریه عدالت آن را مطرح کرده است. طبق این نظریه، نهادهای اجتماعی می‌توانند تضمین کنند که هر فرد فرصت منصفانه برای استفاده و بهره‌مندی از منافع اجتماعی دارد؛ چراکه برخی از نظریه‌پردازان سیاسی مدرن بر این باورند که ایجاد عدالت اخلاقی از سوی خانواده برای افراد و کل جامعه موضوعی است که هنوز جای بحث و گفت‌وگو دارد و در حقیقت تاکنون خانواده نتوانسته آن را کامل تأمین کند. رالز معتقد است برای تأمین حقوق و نیازهای افراد در زندگی خانوادگی - از جمله حق حریم خصوصی - حمایت و پشتیبانی نهادهای اجتماعی لازم است (Rawels, 1971: 511 & 512).

۵-۳. وابستگی زنان به خانواده و اولویت مشارکت فعال در امور آن

برخی بر این باورند که زنان خواهان حریم خصوصی نیستند، بلکه فراتر از آن یعنی فرصت و موقعیت وابستگی و مقبولیت و مراقبت را مطالبه می‌کنند. این خواسته بر اساس انتخاب آزادانه‌ی زنان جوان مطالبه می‌شود. دیدگاه رد اشکال فردی حریم خصوصی از سوی زنان بر اساس نگرش‌های پُست فمینیستی شکل گرفته است (Rawels, 1971: 72).

تعارض ایجاد شده میان آرمان دستیابی به فرصت‌هایی برای حریم خصوصی زنان از یک‌سو و آرمان مشارکت فعال و سهیم بودن ایشان در خانواده و اجتماع از سوی دیگر سبب می‌شود که این دو قضیه و علت آن بررسی شود.

جین بیکر میلر^۱ و کارول گیلیگان^۲ با بررسی ارزش‌های اخلاقی و روان‌شناختی زنان درباره‌ی جنبه‌ها و علل این تعارض نظریاتی داده‌اند. میلر بیان می‌کند:

زنان برخلاف مردان خواهان استقلال داخلی نیستند، بلکه در جست‌وجوی توانایی ایجاد ارتباط با دیگران و رشد کامل خود هستند. زنان می‌خواهند هرچه بیشتر در دسترس کسانی که می‌توانند با آنها رابطه‌ی مطلوب و خوشایند داشته باشند، قرار گیرند تا هم به رضایت و هم به اهداف مورد نظر و مطلوب خود دست‌یابند (Miller, 1987: 95).

همچنین بررسی‌های گیلیگان بیان می‌کند که دل‌بستگی، بیش از استقلال درونی و مراقبت، بیش از اصول و قواعد عدالت و برابری به احساسات اخلاقی زنان قدرت می‌بخشد. وی موضوع را این‌چنین تشریح می‌کند:

جنس مذکر به مباحث اخلاقی و استدلالی گرایش دارند که بر حقوق و عدالت و برابری تأکید می‌کند. جنس مؤنث بر مباحثی گرایش دارند که روابط، مسئولیت‌ها و مراقبت را تأیید می‌کند. در مورد مردان، اخلاق به احترام بر حقوق زندگی و تکمیل نیازها امر می‌کند و در مورد زنان، دستور به مراقبت می‌دهد.^۴

1-Jean Baker Miller

2-Carol Gilligan

۳- بر اساس بررسی‌های میلر، زنان به ندرت به هر دو جنبه‌ی این هدف دست‌می‌یابند. نقش‌ها و وظایف ایشان - به عنوان مراقبت‌کننده - آنها را از فرصت‌های مناسب رشد باز می‌دارد، درحالی‌که دامنه‌ی روابطشان نیز محدودتر می‌شود: «رشد فردی و تمرکز بر آن و صرف تمام توان برای پیشرفت همه جانبه، برای همه‌ی انسان‌ها بسیار دشوار است، اما برای زنان دشوارتر می‌باشد. زنان به اندازه‌ای که توانایی دارند به پیشرفت تشویق نمی‌شوند، در صورتی‌که قادر به تجربه‌ی تحریک، غصه، اضطراب و اندوه هستند. در عوض، آنها به پرهیز از خودتحلیلی و تمرکز بر تشکیل ارتباط با یک شخص تشویق می‌شوند».

۴- در مورد مردان و پسران، اخلاق ایجاد قوانین انتزاعی و به‌کارگیری آنها را در برمی‌گیرد و در مورد زنان، شامل تشخیص نیازها و رفع آنها به عنوان تقاضای اصلی است. به عنوان پیش‌زمینه‌ی این خواست‌ها در مورد استدلال اخلاقی، گیلیگان^۳ نظریه‌ی روان‌شناختی و رشدی مهم را درباره‌ی زنانی که در پی حریم خصوصی هستند، مطرح می‌کند:

الف- خصوصیت جدا شدن و متفرد شدن از مادران، بیشتر با هویت مردانه سازگار است تا هویت زنانه.
ب- هویت جنس مؤنث در بستر ارتباطات با سایر افراد تعریف می‌شود. همچنین زنان خودشان را با انجام‌دادن سطح مطلوب و مقبولی از مسئولیت و مراقبت قضاوت می‌کنند.

ج- نیاز به کمال و بلوغ رشدی و شخصیتی زنان، جانشین ارزش دل‌بستگی مداوم و اهمیت پیوسته‌ی مراقبت در روابط نمی‌شود. این سه نظریه متضمن این مطلب است که کسب اشکال فردی حریم خصوصی اولویت اخلاقی نوع زنان نیست.

همچنین به عقیده‌ی وی، تنها بودن برای زنان امری مذموم به شمار می‌آید. وی بیان می‌کند که مردان و زنان، وابستگی و جدایی را به شیوه‌های متفاوت تجربه می‌کنند و هر جنس، به گونه‌ای احساس خطر می‌کند: مردان در ارتباط و زنان در جدایی (Gilligan, 1982: 70).

بر اساس نظر گیلیگان - علاقه به حفظ وابستگی - تشریح می‌کند که چرا استقلال و آزادی زنان غربی در انتخاب، دشواری‌های نوینی را در برمی‌گیرد: «... حتی اگر جامعه حق انتخاب و حریم خصوصی تصمیم‌گیری را برای زنان به رسمیت بشناسد، زنان به خاطر زمینه‌های فطری خود، دچار جدال با خویشتن می‌شوند.»

در پاسخ به این نظر، برخی از نظریه‌پردازان حامی حقوق زنان، چنین نتیجه می‌گیرند: چنانچه ما خواهان پایان تمایل روان‌شناختی زنان به مراقبت از خودشان و خواستار پایان یافتن عقیده‌ی موظف بودن آنها به کار هستیم، باید علایق زنان به حریم خصوصی را به واسطه‌ی فرهنگ و قوانینمان تقویت و حفظ کنیم.

برخی دیگر با نگاهی متعادل‌تر بیان می‌کنند که رشد فردی نیازمند این نیست که زنان در جست‌وجوی میزانی از حریم باشند که مانع مسائل مهم و ارزش‌های دیگران شود. زنان نیازی به از بین بردن «مسئولیت» ندارند تا از حریم خصوصی لذت ببرند (Allen, 1988: 74-75).

نظرات فوق حاکی است، با اینکه غرب بر حریم خصوصی در مقابل صمیمیت مشترک و نیکوکاری و بخشش مسئولانه تأکید بیشتری می‌کند، اما اکنون در حوزه‌ی نظر و عمل، مدل‌هایی دیده می‌شود که در آنها علاوه بر شناسایی اولویت زنان برای ایفای نقش‌های مراقبتی (مانند مادری)، تأکید بر حریم خصوصی نیز وجود دارد و این موضوع نشان می‌دهد که میان حریم خصوصی و وابستگی تناقض جدی وجود ندارد.

در اسلام، بر نقش مادری تأکید ویژه‌ای شده است که بر کارکردهای مثبت تفکیک وظایف زن و مرد و نیز وجود پاره‌ای تفاوت‌های طبیعی میان زنان و مردان مبتنی است و اسلام آنها را مفروض می‌گیرد (بستان، ۱۳۸۳: ۸۲-۸۱). نکته‌ی بسیار مهم آن است که تأکید بر جایگاه زن در اسلام بدین معنا نیست که در جوامع اسلامی لزوماً مطابق دستور اسلام با زنان رفتار می‌شود؛^۱

۱- در میان کشورهای اسلامی تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود و طیف وسیعی از نگرش‌ها نسبت به زنان در دنیای اسلام وجود دارد و این نگرش‌ها از یک جامعه تا جامعه‌ی دیگر و از یک فرد تا فرد دیگر متفاوت است. روند کلی در کشورهای اسلامی به نحوی آشکارا نشان می‌دهد که تقریباً کلیه کشورهای اسلامی به گونه‌ای از ایدئال‌هایی که اسلام برای زنان در نظر گرفته است، تخطی کرده‌اند و این تخطی‌ها عمدتاً در دو جهت متضاد بوده است؛ از یک سو، پیروی از غرب مشاهده می‌شود و از سوی دیگر، رویکردی کاملاً محافظه‌کارانه و محدودکننده ملاحظه می‌شود که زنان را به وسیله‌ی تأکید بر عرف‌ها و سنت‌های اجتماعی که اغلب با دین نیز بی‌رابطه‌اند، از حقوقشان محروم کرده‌اند و با آنها به شدت متفاوت از مردان عمل می‌کنند، به

برای مثال هرچند پیوند عاطفی مهم‌ترین نقش را در استحکام و بقای خانواده و جامعه ایفا می‌کند، آن چنان‌که شایسته است، به اهمیت روحیات زنانه و جایگاه آن به عنوان نقطه‌ی مرکزی این پیوند پرداخته نشده است (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۱: ۸۶).

در جامعه‌ی امروز، بسیاری از زنان نیاز دارند که توانمندی‌ها و استقلال شخصیتی‌شان به رسمیت شناخته شود. بخشی از هویت زنان در خانواده در کنار سایر اعضا معنا می‌یابد و این دلیلی جز اصالت خانواده در دین مبین اسلام ندارد، ولیکن زنان به عنوان موجودات انسانی به تنهایی نیز هویت و شخصیتی دارند و به عبارتی دیگر حریمی دارند که باید حفاظت و رعایت شود. حریم انسانی را می‌توان به مجموعه دایره‌ی متحدالمرکزی تشبیه کرد که درونی‌ترین این دایره‌ها امور جسمانی و نفسانی فرد، شخصیت و اعتقادات و افکار اوست، این لایه یا دایره برای هر انسانی - چه زن و چه مرد - در مقابل سایرین اعم از اعضای خانواده، دوستان، جامعه و... (البته به میزان متفاوت) خصوصی تلقی می‌شود. دایره یا لایه‌ی بعد، حریم خصوصی روابط خانوادگی فرد است که از شخصی بودن فرد گذر می‌کند و بخشی از روابط اجتماعی او را نیز شامل می‌شود. در دایره‌ی سوم، همه‌ی روابط اجتماعی فرد، بخشی از حریم خصوصی او تلقی می‌شود. این لایه می‌تواند شامل روابط دوستی، شغلی، اقتصادی، تفریحی و هر فعالیت دیگری باشد که فرد در اجتماع انجام می‌دهد. درمقابل این معنا، تنها فعالیت‌های دولت‌ها و حکومت‌ها قرار دارد. زنان در هر یک از این سلسله مراتب نیاز دارند که حریمشان بیش از پیش از سوی اعضای خانواده حفظ شود تا حکومت اسلامی نیز به آن احترام گذارد (صادقی فسایی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

۶- حق زنان برای تصمیم‌گیری در امور خانوادگی: حقی مشترک و مقید

تنهایی و خلوت، ناشناس ماندن (گمنامی) و افشانکردن اطلاعات به طور خاص اشکالی از حریم خصوصی توصیف می‌شوند، ولی «انتخاب آزاد» یک شکل از حریم خصوصی نیست. اشکال حریم خصوصی جنبه‌هایی از خود فرد، وضعیت فکری وی و اطلاعاتی درباره‌ی او را خارج از دسترس دیگران قرار می‌دهد. انتخاب آزاد اگرچه مرتبط با اهلیت یک فرد برای کنترل بر حریم خصوصی

طوری که تبعیض‌های نامقبولی در زندگی بسیاری از زنان و دختران غالب است (صادقی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۱ و ۱۱۲).
۱- با آنکه متون دینی ما، چه آیات قرآنی و چه احادیث، به جایگاه مهم مادری و همسری و لزوم توجه ویژه به مادر اهتمام داشته‌اند، اما فرهنگ کنونی ما چنانکه بایسته است، به احساسات و عاطفه به عنوان نیازی اساسی نمی‌نگرد. از یک سو، در فرهنگ سنتی ما آن قدر که از حضور احساسات زنانه در جایگاه‌هایی چون مشورت و قضاوت انتقاد شده، در تجلیل از کاربرد مثبت این روحیه سخن به میان نیامده است و این خود موجب شده است که احساساتی بودن زن همیشه به عنوان ویژگی منفی مسخره شود. از سوی دیگر، تأثیرات فرهنگ غرب در فرهنگ خودی از اهمیت خانه‌داری کاسته است به گونه‌ای که امروزه کمتر زنی به خانه‌داری خود افتخار می‌کند.

خودش است، در اصل متضمن فقدان مداخله‌ی دولتی (عمومی) یا غیردولتی از سوی اشخاص ثالث (مانند همسر، پدر و ...) در تصمیماتی است که زنان در امور مرتبط با خود از جمله باروری اتخاذ می‌کنند (Allen, 1988: 97-98).

لیبرال فمینیست‌ها بر حق تصمیم‌گیری مستقل زنان در امور باروری تأکید دارند و این امر را ابزاری برای رسیدن به حریم خصوصی و استقلال درونی زنان می‌پندارند. کاترین مک کینون^۱ قدرت کنترل نابرابر زنان در مسائل جنسیتی و نابرابری قدرت تصمیم‌گیری آنها در موضوعات مرتبط با جسم و رشد خود را محکوم و بیان می‌کند که نابرابری‌های موجود در حوزه‌ی سلامت جنسی و باروری می‌تواند حقوق حریم تصمیم‌گیری را از بین ببرد (Mackinnon, 1989: 51). به عقیده‌ی وی، حق تصمیم‌گیری بسیار مهم‌تر از سلطه‌ی مردان بر زنان است و هنوز بسیاری از زنان، زیردست مردان در روابط جنسی محسوب می‌شوند، اما دستیابی به کنترل مولید به آنها در ایجاد توانایی‌ها، اصول و انتظارات جدید از خودمختار بودن و حق تعیین سرنوشت کمک می‌کند. همچنین حریم تصمیم‌گیری می‌بایست یکی از راه‌های حل مسئله‌ی نابرابری جنسیتی و فقدان حریم خصوصی مشخص در زنان شناخته شود (Allen, 1988: 71).

فمینیست‌ها بر این باورند که پیشگیری از بارداری و سقط جنین ابزاری مهم برای تضمین حریم خصوصی محسوب می‌شود که زنان برای حفاظت و دستیابی به سطوح مطلوب استقلال و فردیت در زندگی خود می‌توانند بدان اتکا کنند (Ibid, 86-88).

فمینیست‌ها برای موضوع سقط جنین اهمیت ویژه‌ای قائل‌اند. از نظر ایشان سقط جنین قانونی از سوی بسیاری از افراد نتیجه‌ی مثبت جنبش فمینیستی است. به‌زعم فمینیست‌ها، بعد از سال‌ها مبارزه‌ی زنان برای استقلال و آزادی - در جهانی که بیشتر در سیطره‌ی مردان بوده است - تنازع آخر برای کسب سقط قانونی، نتیجه‌ی تمام تلاش‌های آنها در سایر حوزه‌هاست (صادقی فسایی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۶۷). فمینیست‌ها تأکید می‌کنند که بی‌شک منافع حاصل از اختیار سقط برای زنان بی‌شمار است. منافع تنهایی و خلوت برای زنان با ممنوعیت‌های سقط جنین و برخی قوانین کنترل آن است. همچنین بهره‌مندی زنان از حریم تصمیم‌گیری نیز به توانایی آنها در سقط متکی مغایر است (Allen, 1988: 89).

بنابراین، در رویه‌ی بین‌المللی معاصر در حوزه‌ی زنان، میان دو مفهوم حقوق و سلامت جنسی و باروری و حق حریم خصوصی تداخل ایجاد شده است. حق سلامت جنسی مبنی بر شناسایی

حق زنان در کنترل و تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه در موضوعات مرتبط با امور جنسی همچون سلامت جنسی و باروری، آزادی از اجبار، تبعیض و خشونت. همچنین برابری زنان و مردان در مسائل مرتبط با باروری و روابط جنسی (UNFPA, 2014: 19 & 20). پس در موضوع سلامت جنسی و باروری، بیشتر روی استقلال تصمیم‌گیری زنان در امور باروری و دسترسی ایشان به خدمات و امکانات پیشگیری و امور مرتبط از جمله سقط جنین تمرکز شده است (Pizzarossa, 2018: 10 & 11). به این ترتیب الگوی ارائه شده برای موضوع حقوق و سلامت جنسی و باروری، متضمن خودمختاری و استقلال کامل زنان است (Arousell, & Carlbom, 2015: 2 & 5) و آشکارا در موضوعاتی چون کنترل بارداری، زمان و تعداد فرزندآوری هیچ سهمی برای شوهران به رسمیت شناخته نشده است (UN Women, 2015: 11 & 16). این در حالی است که در نظام حقوق خانواده در اسلام، همسران حق داشتن فرزند دارند و تصمیم‌گیری در این باره به زن و مرد تعلق دارد و استقلال کامل زن به نقض حقوق شوهر در عمل منجر خواهد شد. به علاوه، زنان نیز در صورت بارداری، حق هرگونه تصمیم‌گیری نخواهند داشت و ذیل عنوان «منع سقط جنین» در اسلام از حق حیات جنین حمایت شدیدی در اسلام شده است (معارفی، ۱۳۸۷: ۷۲ و ۷۳).

۲۰

یکی دیگر از مفاهیمی که در غرب در رابطه با حریم خصوصی زنان در خانواده مطرح است، «حق تصمیم‌گیری» یا «حریم تصمیم‌گیری» است. براساس این حق زنان می‌توانند در مورد هر آنچه که برای حریم خصوصی‌شان مفید می‌دانند، مستقل تصمیم بگیرند و به هر آنچه که ناقض حریم شخصی‌شان باشد، اعتراض کنند. اسلام استقلال شخصیتی و به تبع آن توان و حق تصمیم‌گیری درباره‌ی مسائل مربوط به زنان را برای ایشان به رسمیت شناخته است، ولی این مسئله با آنچه غرب بدان معتقد است، تفاوت‌های اساسی دارد. این اختلاف از آنجا ناشی می‌شود که مبانی انسان‌شناختی غرب و اسلام تفاوت‌های بنیادین دارد. مطلق‌انگاری درباره‌ی حریم تصمیم‌گیری زنان در غرب از تفکر اومانیستی و لیبرالی حاکم بر آن جوامع ناشی می‌شود. شریعت اسلامی، آنجا که حق تصمیم‌گیری زنان و منافع آنها با منافع خانواده و یا منافع جامعه در تعارض جدی قرار گیرد، به دلیل رعایت مصالح عامه نفع فرد را محدود می‌کند. از منظر آموزه‌های اسلامی، وظایفی که برای انسان‌ها تعیین شده هرگز او را ماشین کار و ابزار رفع نیاز نمی‌کند و در این امر بین زن و مرد هیچ امتیازی نیست تا گفته شود، نگرش اسلام به زن نگرش ابزارگونه است و زن موجودی وابسته تلقی می‌شود. به این ترتیب هرگز زن موجود وابسته نیست تا حقوق وابستگی دریافت کند و هیچ‌گاه هویت ابزاری ندارد تا از استقلال ذاتی محروم باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۳۳۸-۳۳۹).

پیش از اسلام، اختیارات پدران تا آنجا بود که دخترانی را که هنوز از مادر متولد نشده بودند، پیشاپیش به عقد مرد دیگری درمی‌آوردند که هر وقت متولد و بزرگ شد، آن مرد حق داشته باشد آن دختر را برای خود ببرد. اسلام نه تنها این رسوم را نسخ کرد و اختیارداری مطلق پدران را مردود شمرد، بلکه به زن حریت و شخصیت و استقلال فکر و نظر داد و حقوق طبیعی او را به رسمیت شناخت؛ برای مثال پیامبر (ﷺ) دخترش حضرت زهرا (علیها السلام) را در انتخاب شوهر کاملاً آزاد گذاشت و ایشان چند نفر از خواستگاران خود را رد کرد؛ بنابراین دین اسلام حق تصمیم‌گیری زنان در انتخاب همسر و تعیین سرنوشت آنها از سوی خودشان را به رسمیت شناخت. در مسئله‌ی «ولایت پدر بر دختر باکره و شرط بودن اذن وی در ازدواج» میان فقها اختلاف نظر است؛ عده‌ای موافقت و رضایت پدر در این مورد را شرط دانسته و برخی دیگر شرط ندانسته‌اند. از لحاظ اجتماعی، فلسفه‌ی اجازه‌ی پدر در مورد دوشیزه این نیست که اسلام دختر را قاصر شناخته و از لحاظ رشد اجتماعی او را کمتر از مرد دانسته است، بلکه قضیه مربوط به تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد است؛ بنابراین این نوع نگاه به شرط اذن پدر نه تنها حقیر شدن زن را به دنبال ندارد، بلکه به‌گونه‌ای در راستای حمایت از شخصیت و سرنوشت او محسوب خواهد شد. همچنین باید گفت که رضایت دختر در ازدواج، شرط صحت عقد است؛ بنابراین در هر صورت تصمیم‌گیری نهایی با خود دختر است و حتی در صورت اجبار پدر بر ازدواج، تا وی (دختر) راضی به این امر نباشد، عقد صحیح محقق نخواهد شد (مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۲: ۴۶-۴۹).

به علاوه، از نظر اسلام، بین زن و مرد در تصرفات مالی مساوات و برابری کامل وجود دارد و هیچ کدام بر دیگری مزیت و امتیازی ندارند. زن و مرد چه در رابطه‌ی زوجیت و چه خارج آن از استقلال کامل مالی دارند. انسان (زن و مرد) وقتی به سن بلوغ، عقل و رشد می‌رسد از تحت ولایت خارج می‌شود و رابطه‌ی زوجیت هیچ تأثیری در رابطه‌ی مالی زوجین ایجاد نمی‌کند و زوج نمی‌تواند به این بهانه در اموال زوجه بدون رضایت او تصرف کند. این اصل مترقی در رابطه‌ی بین زوجین، چهارده قرن پیش، در حقوق اسلام به رسمیت شناخته شده است و دلیل آن نیز اصل عدم ولایت بر جان و مال دیگری است که از اصول مسلم شریعت اسلامی است (حکمت‌نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۸۷)؛ بنابراین دین مبین اسلام استقلال زنان در امور مختلف و به تبع آن حق تصمیم‌گیری آنها را پذیرفته است.

موضوع مهم دیگر که در واقع محور کلیدی رویکرد غرب به خودمختاری و استقلال زنان در تصمیم‌گیری است، موضوع «سقط جنین» است. از دیدگاه اسلام، به حیات انسان در دوران جنینی

و حتی قبل از تشکیل نطفه توجه ویژه شده است. تا آنجا که توصیه می‌شود، در انتخاب همسر، کیفیت ارتباط جنسی و به نوع رفتار در دوران بارداری توجه شود تا نسلی صالح و نوزادی سالم متولد شود. در این نگرش، جنین شخصیتی بالقوه است و استعداد انسانیت و پیمودن مراحل تکامل انسانی را دارد و مانند سایر انسان‌ها حقوقی از جمله حق حیات نیز دارد؛ بنابراین سقط جنین جز در موارد محدود، جرم محسوب می‌شود و مرتکب آن مستحق مجازات است؛ چراکه موجودیت انسان از زمان پیوند دو سلول جنسی اولیه آغاز می‌شود و از بین بردن آن در هر مرحله‌ای مطابق با نص قرآن کریم^۱ نابودی تمام انسان‌هاست. فقهای امامیه به اتفاق آراء معتقدند، هرگاه حیات مادر متوقف بر سقط جنینی باشد که روح در آن دمیده نشده و به حد انسان کاملی که بر او لفظ انسان یا نفس محترمه صدق کند، نرسیده باشد سقط آن جایز است، زیرا حفظ حیات مادر از نظر شارع مهم‌تر است. به علاوه حالت اضطرار مادر برای حفظ جان خود موجب رفع حرمت سقط می‌شود (فتاحی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۲۹). برخی از فقها خوف خطر جانی مادر که ناشی از ادامگی حاملگی باشد را نیز مجوز سقط جنین می‌دانند، زیرا عقلا در مواردی که اغلب حصول یقین ممکن نباشد، وجود خوف را راه رسیدن به واقع قرار می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۴۲)؛ بنابراین اگر ادامگی حاملگی با علم یا خوف خطر جانی برای مادر توأم باشد، به‌طوری‌که یا باید مادر که نفس محترمه‌ای است، تلف شود یا برای نجات جان مادر، جنین که هنوز روح در آن دمیده نشده سقط شود، مسئله از قبیل دوران امر بین اهم و مهم خواهد بود که علمای علم اصول برای رفع این تراحم قائل به ترجیح امر اهم شده‌اند؛ در نتیجه برای حفظ جان مادر مجوز سقط جنین صادر می‌شود (نوذری فردوسی، ۱۳۸۴: ۴۲).

به این ترتیب، حق زنان در تصمیم‌گیری در امور خانوادگی از جمله باروری از منظر تعالیم اسلامی حقی است مقید و محدود و از جمله شامل جواز سقط جنین جز در موارد استثنا نخواهد شد.

۷- رابطه‌ی نقش‌های خانوادگی و حق حریم خصوصی زنان

احترام و همکاری متقابل اعضای خانواده و ایفای مؤثر و مطلوب نقش‌های خانوادگی تأثیر بسزایی در رعایت حریم خصوصی زنان در خانه دارد. این موضوع با رویکردی متمایز و گاهی متعارض تبیین شده است. فمینیست‌ها معتقدند، علایق خانوادگی مانعی برای حریم خصوصی زنان است. با وجود این، بسیاری از زنان با عشق و علاقه‌ی کامل تکالیف مربوط به زندگی خانوادگی را بر

عهدده می‌گیرند. آنها مشتاق بر عهدده گرفتن تأمین نیازهای عاطفی، اجتماعی و اقتصادی فرزندان و همسران خود هستند. معمولاً این‌گونه زنان دیگر نمی‌توانند به عنوان فردی مستقل حقوق خود در زمینه‌ی اموال، قرارداده‌ها و غیره را استیفا کنند. از این منظر، برخی از موانع موجود برای تحقق فردیت و استقلال حتی از جانب زنانی که داوطلبانه، زندگی خانوادگی را بر عهدده گرفته‌اند، پذیرفته نیست و نمی‌تواند پذیرفته شود (Allen, 1988: 86). به این ترتیب، از منظر فمینیسم، نقش‌های جنسیتی و خانوادگی زنان، به منزله‌ی مانعی در برخورداری زنان از حق حریم خصوصی در خانواده تلقی می‌شود که در ادامه به تفکیک تبیین و تحلیل خواهد شد.

۷-۱. نقش همسری (رابطه‌ی میان زن و شوهر)

فمینیست‌های معاصر در رابطه‌ی همسری به دو ضابطه‌ی کلیدی توجه دارند:

الف. وابستگی اقتصادی زنان به همسران که با کاهش اعتمادبه‌نفس و میل به ساخت فردیت آنها همراه است و این امر تأثیر منفی در حریم خصوصی زنان در خانواده خواهد گذاشت.
ب. وابستگی عاطفی یک زن به همسرش نیز می‌تواند وی را آنچنان تحت تأثیر قرارداد که هنگام جدایی و یا دوری کوتاه‌مدت نیز با مشکل مواجه شده و درجه‌ی بالایی از اضطراب و تنهایی را تجربه کند، به‌گونه‌ای که توانایی‌اش در لذت بردن از اوقات تنهایی و خلوت تحلیل رود. همچنین مدیریت و نظارت مردسالارانه در خانواده و در روابط میان همسران عاملی برای از بین رفتن حریم خصوصی زنان است (Ibid:70) و این امر به‌خصوص در روابط جنسی همسران بسیار پررنگ‌تر بوده و نقض حقوق زنان در این روابط مفروض است.

از دیدگاه اسلام، بنای روانی و عاطفی انسان با ازدواج و ارضای این غریزه‌ی طبیعی سامان می‌پذیرد و باعث خلق و خوی نیکو و روابط عاطفی و انسانی مطلوب می‌شود که محبوب خداوند متعال است. ازدواج و ارتباط جنسی با احساسات عالی انسانی آمیخته و زمینه‌ساز روی آوردن انسان به بسیاری از فضایل اخلاقی و روابط اجتماعی است (فقیهی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۷). سلامت جنسی همسران، یعنی موقعیتی که در آن زوجین از یک رابطه‌ی سالم، مناسب و بهنجار جنسی بهره‌مند هستند، به‌گونه‌ای که وضعیت جسمی، روحی و رفتاری آنها مطلوب و حاکی از نوعی هماهنگی، انس، محبت و در یک جمله رضایت‌مندی از زندگی زناشویی باشد (معرفی، ۱۳۸۷: ۶۸ و ۶۹). همچنین، حقوق جنسی زوجین در روابط همسران، مستلزم تصمیم‌گیری مشترک در اموری مانند فرزندآوری است و خودمختاری یکی از زوجین در تصمیم‌گیری بدون جلب رضایت طرف مقابل پذیرفته نیست و با مصلحت و تحکیم خانواده مغایر است (همان: ص ۷۳).

شاید بتوان اصلی‌ترین عامل حفظ و بقای بشر را نهاد خانواده دانست؛ تلاش برای ازدواج و اهتمام برای تحکیم آن در نهایت به تکثیر نسل و ادامه‌ی حیات بشر منجر می‌شود. باید گفت شکل‌گیری قوه‌ی شهوت جنسی در انسان با همین هدف مقرر شده است (ابراهیمی و فرحزادی، ۱۳۹۸: ۹۱).

۲-۷. نقش مادری (رابطه‌ی میان مادر و فرزندان)

فمینیست‌ها معتقدند، فرزند می‌تواند مانعی برای حریم خصوصی مادر به حساب آید، به این دلیل که مادر باید فرزند را مراقبت کند و فرزندان نیز باید امکان دسترسی به مراقبین خود را داشته باشند. مادران بیشتر از پدران یا شوهران، مسئولیت اولیه در مراقبت مستقیم از فرزندان را به عهده می‌گیرند. آنها زندگی خود را با هر یک از فرزندان خود برای ۱۸ سال و یا بیشتر تقسیم می‌کنند، درحالی‌که شوهران، پدران و خانواده‌ی گسترده می‌توانند مسئولیت‌های زنان را که با حریم خصوصی آنها در رقابت است، برعهده گیرند، به علت طلاق و اشتغال زنان در خارج از خانه این مساعدت‌ها بیش از پیش به آسانی میسر نیست و معمولاً مادران خودشان مسئولیت فرزند را برعهده می‌گیرند.

ایجاد زمینه برای بهره‌مندی مناسب زنان از حریم خصوصی مستلزم وجود منابع مالی کافی است که بسیاری از زنان فرزنددار از آن محروم‌اند. زنان متمکن می‌توانند امکانات تخصصی مراقبت از کودک، مهدکودک‌ها و امکانات بیشتر زندگی و مرخصی را داشته باشند. با وجود این همه‌ی زنان نسبت به واگذاری مسئولیت‌های مربوط به فرزندان خود به دیگران دیدگاه مساعدی ندارند. در نظر گرفتن منافع عالی‌هی کودک و انجام آنچه که به لحاظ اخلاقی بهترین راهکار است، ممکن است مانع انتخاب‌های زنان در ارتباط با مراقبت از فرزندان شود؛ برای نمونه بسیاری از زنان بر این باورند که رفاه و امنیت فرزندان آنها نباید به مراکز مراقبت از کودک پیش از مدرسه واگذار شود. با این حال، دغدغه و احساس مسئولیت مادران حتی زمانی‌که فرزند آنها تحت مراقبت مرکز یا مدرسه است، پایان نمی‌پذیرد. گیلیگان و اندیشمندان دیگر خاطر نشان کرده‌اند که زنان فرزنددار از سوی فرزندان و نیازهای آنها شناسایی می‌شوند. یک مادر ممکن است از تعریف خود به عنوان یک فرد مستقل امتناع ورزد و خود را جزئی از ترکیب خود و فرزندش قلمداد کند. وقتی که مادران خود را فدای خانواده‌ی خویش می‌کنند، احساس پوچی و بی‌هویتی می‌کنند (Allen, 1988: 86-88).

در مقابل نظرات فمینیستی فوق، اف. کارولین گراگلیا^۱ معتقد است:

۱- F. Carolyn Graglia حقوق‌دانی است که خانه‌داری را انتخاب کرده است. او مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه کرنل

فمینیست‌ها در مقابل خواسته‌ی زنان برای مادر شدن به بن‌بست رسیده‌اند، اما هنوز در عناد با مادری و پرورش فرزند ثابت‌قدم هستند و می‌کوشند برای رهایی از این چالش راه‌کارهایی بیابند (صادقی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳).

فمینیسم معاصر حاصل تفکر زنانی است که خانواده‌ی سنتی و زنانگی را مردود دانسته و اشتغال زنان برایشان اهمیت محوری دارد و نقش مادری را یا به طور کلی امری مردود برشمرده‌اند یا آن را در زندگی زنان به عنوان یک نقش ثانویه و تبعی محسوب کرده‌اند. در واقع ایدئولوژی فمینیسم تحریف حقیقت بوده و موفقیت فمینیست‌ها بر متقاعد ساختن هر دو جنس مردان و زنان به این مورد متکی بوده است که اگر زنان، خود را وقف خانه و فرزندان کنند، به نوعی قربانی به شمار می‌آیند.^۱ فمینیسم در بیان تعاریف نوین از «مادر خوب» و «ایجاد حس آرامش در مادران شاغل» و «تسکین عذاب وجدان آنها در ترک فرزندان» موفق نبوده است (صادقی فسایی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۹-۲۶).

۷-۳. نقش مراقبتی (رابطه‌ی میان زنان و سالمندان)

نقش‌های مراقبتی زنان به نگهداری فرزندان یا رسیدگی به همسر محدود نمی‌شود، بلکه در بسیاری موارد زنان باید از سالمندان خانواده مثل پدر یا مادر خود نیز مراقبت کنند. این نقش مراقبتی که خود سختی‌ها و مشکلات ویژه‌ای دارد، می‌تواند در کنار وظایف زنان، آنها را از استفاده و برخورداری از حریم خصوصی محروم کند.

اخذ نموده و در مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی حقوق از دانشگاه کلمبیا فارغ‌التحصیل شده است. وی مدتی را در بخش‌های مختلف قضایی مشغول به کار بوده و پس از آن در دادگاه استیناف به عنوان کارمند عالی‌رتبه اشتغال داشته است. خانم گراگلیا پیشنهاد پست بالاتر در مرکز قضایی واشنگتن را به منظور رسیدگی به شوهر و سه فرزندش نمی‌پذیرد و در کنار همسر خود لینو گراگلیا، استاد دانشگاه تگزاس به زندگی ادامه می‌دهد. مطالب فوق از کتاب وی به نام Domestic Tranquility ذکر شده است.

۱- یکی از گام‌های اساسی در افق چنین رفتارهایی ترویج این نگرش است که در گذشته مادران در خانه باقی می‌مانند و به فرزندان رسیدگی می‌کردند، تنها به این دلیل که چاره‌ی دیگری نداشتند. اظهار این مبحث که زنان به طور تبعیض‌آمیزی از اشتغال محروم بوده‌اند، بی‌شک به دلیل این پیش‌فرض است که بر مبنای قوانین اشتغال، حضور در محیط کار راه‌حلی برای درمان مشکلات گذشته‌ی زنان طراحی شده است و طرح این ادعا برای متقاعد کردن نسل زنان جوان امری لازم است، زیرا نسل قبلی آنها اغلب شاغل بوده و تقریباً تعداد اندکی از آنها خانه‌دار بوده‌اند. مسئله‌ی اصلی مادران شاغل معمولاً در ارتباط با تبعیض‌های درون محیط کاری آنها نیست، بلکه با خستگی مفرط، نبود فرصت کافی برای تفریح و تفاوت قائل شدن میان تصویر واقعی خود به عنوان یک مادر خوب و واقعیت موجود مرتبط است. فمینیست‌ها موفق شدند به واسطه‌ی تبلیغات علیه خانه‌داری زنان، این کار را بی‌ارزش جلوه دهند و نسل‌های جدید مردان و زنان را متقاعد کنند که جامعه با دید تحقیرآمیزی به زنان خانه‌دار نگاه کند.

۷-۴. نقش فرزند (دختری)

مدیریت و نظارت والدین بر فرزندان در مواردی ممکن است با حق حریم خصوصی کودکان در تعارض باشد. برطرف کردن نیازهای کودکان نیازمند سپری کردن زمان در تعاملات با آنهاست؛ بنابراین مراقبت و نظارت افراطی والدین، زمان و فضای برای استفاده از خلوت برای فرزندان باقی نمی‌گذارد. این مسئله در مورد فرزندان دختر نسبت به پسران چالش برانگیزتر تلقی شده است (Allen, 1988: 62).

تأکید اسلام بر مراقبت زنانه و به‌ویژه بر نقش مادری از یک سو بر تبیین غایت‌شناسی مبتنی است که بر محور کارکردهای مثبت تفکیک وظایف زن و مرد دور می‌زند و در نتیجه اسلام به این موضوع به عنوان یک اولویت مهم و نه یک امر الزامی می‌نگرد و از سوی دیگر، از پاره‌ای تفاوت‌های طبیعی برخاسته است که اسلام آنها را بین زن و مرد مفروض می‌گیرد. البته نمی‌توان منکر این واقعیت شد که مادران دشواری‌های فراوانی را در طول دوره‌های بارداری، زایمان، شیردهی و تربیت کودکان متحمل می‌شوند و این امور محدودیت‌هایی را نیز بر ایشان تحمیل می‌کند. از این رو، اسلام با تأکید بر ابعاد معنوی مادری کوشیده است تا سلامت روانی و احساس رضایت و امید را در مادران تقویت کند و افزون بر آن، منزلت والای مادران در اسلام و توصیه‌های وجوبی و استحبابی در باب احسان و نیکی به والدین به ویژه مادران، زمینه‌ی از خودبیگانگی آنها را تا حد زیادی از میان برده است. اسلام تربیت فرزندان به دست مادران طبیعی را یک اولویت می‌داند و بر آن تأکید دارد، اما در عین حال با پذیرش سیستم‌های فرزندخواندگی، مادری قراردادی و تربیت در خانواده‌های گسترده با شرکت خویشاوندان، نسبت به نقش مادری موضعی انعطاف‌پذیر را اتخاذ کرده است (بستان، ۱۳۸۳: ۲۷۳).

۸- توجه به کارکرد اخلاق در موضوع حریم خصوصی زنان در خانواده

ارتباط انسان‌ها با یکدیگر، خواه در خانواده و خواه در جامعه، همواره نیازمند تبیین خطوط و مرزهایی است که به وضوح مناسبات و روابط انسانی را انتظام بخشد. از این رو، انتظام امور جامعه را تا حد زیادی می‌توان به نظام حقوقی روشن و متناسب وابسته دانست. بی‌توجهی به حقوق و تأکید یک جانبه بر اخلاق زمینه را برای هرج و مرج و از هم گسیختگی فراهم می‌کند. از سوی دیگر، شأن اخلاق در روابط انسانی با تلطیف رابطه‌ها، ایجاد نشاط و تحریک انگیزه‌ها برای تفاهم و حسن ارتباط مربوط است؛ بنابراین همان‌طور که ضوابط حقوقی به پیوستگی و پایداری مجموعه

می‌انجامد، ارزش‌های اخلاقی به پویایی و بالندگی آن کمک می‌کند. با معلوم نبودن جایگاه حقوقی افراد، توصیه به اخلاق می‌تواند زیانبار باشد.

در نقطه‌ی مقابل، تأکید یک جانبه بر حقوق بدون تأکید بر اخلاق روابط خشک و بی‌روح و توسعه‌ی تنازعات را در پی دارد (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۷۳). جهان غرب با اصل قراردادن حقوق و کم‌توجهی به ارزش‌هایی چون گذشت، صبر، تعافل، مهربانی، تواضع، اکرام و اهتمام به امور یکدیگر در صدد برآمد تا روابط اجتماعی را به بهترین شکل انتظام بخشد، اما به دلیل آنکه در کنار وضع قوانین به کارکرد مناسبات اخلاقی انسان‌ها توجه لازم نشد، پیوندهای عاطفی آهسته‌آهسته کم‌رنگ‌تر شد و اهداف اجتماعی مطلوب نیز حاصل نشد. هم‌اکنون کشورهای اروپایی را شاخصه‌ی نظم و قانون‌گرایی می‌دانند، اما نکته‌ی مهم اینجاست که در درون این روابط مکانیکی منظم که مهره‌های مختلف را به دقت در کنار هم چیده است، رشته‌ای که این عناصر را به یکدیگر پیوند زند و مجموعه‌ای هماهنگ و همبسته بسازد، موجود نیست.

برنامه‌ی اسلام برای ایجاد نظم اجتماعی پویا آن است که نظام حقوقی دقیق و منسجمی را ارائه کند. در این نظام حقوقی، رابطه‌ی همه‌ی اعضای جامعه مشخص و معین شده و دستگاه‌های نظارتی و حراستی ویژه‌ای برای جلوگیری از تعدی و مجازات مجرمان در نظر گرفته شده است. رسالت قانون آن است که امنیت را برای ضعیفان تأمین و محیط را برای ظلم ستم‌پیشگان ناامن کند. از سوی دیگر، اسلام اصلاح روابط اجتماعی را بر پایه‌ی تحکیم روابط اخلاقی استوار کرده است. حرکت بر مرزهای حقوقی بدون تلطیف روابط، سعادت جامعه و فرد را تأمین نخواهد کرد (حکمت‌نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۰۷). اسلام دو توصیه را کنار هم در نظر دارد؛ به تمامی مردم توصیه می‌کند که حریم حقوقی یکدیگر را حفظ کنند و به هیچ‌کس حق تعدی به حقوق دیگری را نمی‌دهد. در عین حال، به اشخاص توصیه می‌کند نسبت به حقوقی که بر دیگران دارند، با تسامح برخورد کنند، مگر آنکه چنین تسامحی خود زمینه‌ساز تقویت ستمکاری یا ناهنجاری باشد. به این ترتیب، در عرصه‌ی خانواده - که مجموعه‌ای با محوریت عاطفه و محبت است - آمیختن حقوق به اخلاق با محوریت اخلاق ضروری می‌نماید (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۱: ۸۸).

بر این اساس، حق حریم خصوصی زنان در خانواده یکی از حقوق مسلم آنهاست، لکن این حق در نظام قانون‌گذاری اسلام تکلیفی را نیز به عهده‌ی زن می‌گذارد؛ چراکه هر حقی در مقابل تعهد و مسئولیتی قرار می‌گیرد. بنابراین حریم خصوصی زن باید در متن خانواده و در رابطه با سایر اعضای آن تعریف شده و هویت یابد. قوانین اسلامی را باید در یک مجموعه و به صورت سیستماتیک بررسی کرد؛ بنابراین همان‌گونه که حریم خصوصی زن ارزشمند و نیازمند رعایت

است، باید حریم همسر و فرزندان و والدین و سایر اعضای خانواده و حقوقی که آنها در مقابل زن به عنوان همسر یا مادر یا دختر دارند، نیز رعایت شود.

امروزه، چگونگی عمل بسیاری از افراد اعم از زن و مرد با عنوان «مسلمان» بسیار دور از آن چیزی است که اسلام واقعی آن را بیان کرده است، به همین علت بسیاری از چالش‌ها در روابط میان اعضای خانواده‌ها به وجود می‌آید؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که برای حل معضلاتی این‌چنینی به جای رجوع به روش‌های غربی - که بر مبنای ارزش‌های فردگرایانه و برخواسته از فکر بشری شکل گرفته است- به فرهنگ ناب توحیدی و تلقی والای آن از انسان و جایگاه آن در نظام هستی رجوع کرده و به مبنای اخلاقی در خانواده بیش از پیش ارجح نهاد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

حریم خصوصی قلمرویی از زندگی اشخاص است که انتظار می‌رود دیگران بدون رضایت صاحب حق بدان وارد نشده یا از آن اطلاعی نیابند. زمانی که هر یک از افراد بتوانند ضمن برخورداری از حریم خصوصی خود، انتظارات دیگران را نیز برآورده کنند، رعایت حریم خصوصی افراد به‌عنوان یک هنجار و ارزش در خانواده یا اجتماع سبب شکل‌گیری نظم اجتماعی و تحقق آرامش و رضایت درونی افراد می‌شود.

موضوعیت داشتن جنسیت در مورد حریم خصوصی موضوع مهمی است که برخی با نفی آن قائل‌اند حریم خصوصی بحثی در مورد حق «انسان» نسبت به خلوت خود است و در این موضوع جنسیت مطرح نیست؛ یعنی نمی‌توان حریم خصوصی جداگانه و ویژه‌ای برای زنان یا مردان متصور شد. در پاسخ باید گفت، اگرچه که ممکن است این بیان از یک منظر صحیح باشد، ولی نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت. به دلیل ویژگی‌های خاص و شرایط روحی و جسمی زنان و مسئولیت‌ها و تکالیف ویژه‌ای آنها ممکن است بیشتر به آنها تعرض و حریمشان نقض شود. حق حریم خصوصی نیز همانند سایر حقوق با استثنائات و حدودی مواجه می‌شود. این موارد بسته به مذهبی یا غیرمذهبی بودن، نظام سیاسی حاکم، فرهنگ و عرف جاری بر هر کشور متمایز از کشوری دیگر است.

درباره‌ی قلمرو حریم خصوصی زنان بین آموزه‌های فمینیسم و تعالیم اسلامی اختلاف مبنایی وجود دارد. از منظر فمینیسم، حق حریم خصوصی و حق تصمیم‌گیری زنان آنچنان تعریف می‌شود که آنها را محق بر بدن خود و حتی سقط جنین می‌داند. همچنین نقش‌های خانوادگی زنان معارض با حق حریم خصوصی آنها قلمداد می‌شود. این در حالی است که نگرش اسلام به خانواده و ضرورت

تحکیم آن سبب می‌شود، حریم خصوصی زنان در راستای اهداف و منافع خانواده تعریف شود. در شرایط کنونی با توجه به تحولات عمیق اجتماعی تمهید راه‌کارهای مؤثر و رفع خلأهای قانونی مبتنی بر موازین اسلامی برای پاسخ به نیازهای خاص زنان بیش از پیش مهم است. شریعت اسلام آنجا که حق تصمیم‌گیری زنان و منافع آنها با منافع خانواده و یا منافع جامعه در تعارض جدی قرار گیرد، برای رعایت مصالح عامه، نفع فرد را محدود می‌کند؛ چراکه اسلام فردگرا (زن‌گرا یا مردگرا) نیست، بلکه به جای تأکید بر جنسیت به کانون خانواده اهمیت ویژه می‌دهد. علاوه بر این، اسلام بر کرامت نفس انسان و حرمت حیثیت و شخصیت او نیز تأکید کرده است. بر این اساس است که زن را موجودی اصیل و با استقلال در فکر و شخصیت و... قلمداد می‌کند. بنابراین زنان در امور خود حق تصمیم‌گیری (در محدوده‌ی موازین اسلامی) دارند؛ تا آنجا که سبب تضییع حقوق دیگران و حدود الهی نشود. زنان مسلمان در جامعه‌ی امروز نیز به برخورداری از استقلال در فکر و شخصیت خود در امور خانوادگی گرایش دارند و ضرورت و اهمیت قوانین مقتضی همین جاست که باید حدود و مرزهای حریم خصوصی اشخاص در روابطشان با سایر افراد به‌خصوص در قلمرو خانواده تبیین شود. این مهم به‌ویژه به زنان کمک می‌کند تا حدود و ثغور مرزهای زندگی خصوصی خود را شناخته و برای آن تصمیم‌گیری کنند و البته قادر باشند با استناد به این قواعد در برابر تعرضات، برای تعقیب متخلفین اقدامات قانونی مقرر را اتخاذ کنند.

منابع

- ◀ ابراهیمی، جواد و علی اکبر فرح زادی، (۱۳۹۸). «بازپژوهی استنباط احکام خانواده با توجه به اصل «استحکام خانواده»»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۸۶.
- ◀ انصاری، باقر، (۱۳۸۶). حقوق حریم خصوصی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ◀ بستان، حسین، (۱۳۸۳)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ◀ جلائیان اکبرنیا، علی و محمدرضا محمدی، (۱۳۹۴). «حرمت و کرامت زن در خانواده از نگاه امام رضا (علیه‌السلام)»، مجله فرهنگ رضوی، سال ۳، ش ۱۲.
- ◀ جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۲)، زن در آئینه جلال و جمال، قم: اسرا.
- ◀ حسینی اکبرنژاد، هاله و زهرا شوشتری، (۱۳۹۴). زن در قرآن، قم: معارف.
- ◀ حکمت‌نیا، محمود و همکاران، (۱۳۸۶). فلسفه حقوق خانواده، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- ◀ زیبایی نژاد، محمد رضا و محمدتقی سبحانی، (۱۳۸۱). درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم: دارالنور.
- ◀ صادقی فسایی، سهیلا و دیگران، (۱۳۸۶)، فمینیسم و خانواده (مجموعه مقالات)، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- ◀ غلامی، علی، (۱۳۹۳). «اتلاق یا تقييد حریم خصوصی و الزامات تحديد یا نقض آن»، دانش انتظامی، سال ۱۶، ش ۱.
- ◀ فتاحی، نسرين و دیگران، (۱۳۹۲). «واکاوی دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی در سقط جنین، ناظر به سلامتی مادر و جنین»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۰، ش ۱.
- ◀ محسنی، فرید، (۱۳۸۹). حریم خصوصی اطلاعات، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- ◀ مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، (۱۳۸۲). مقام زن (خلاصه آثار شهید مطهری)، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- ◀ مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱). یادداشتهای استاد مطهری، تهران: صدرا.
- ◀ معارفی، غلامرضا، (۱۳۸۷). «بررسی سلامت جنسی زوجین و شیوه‌های تامین آن در اندیشه شیعی بر اساس احادیث کتاب وسائل الشیعه»، دانشور پزشکی، سال ۱۶، ش ۷۸.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۲ ق). بحوث فقهیه هامه مهمه، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه‌السلام).
- ◀ مهدوی کنی، صدیقه، (۱۳۹۲). «اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام معرفتی اسلام»، فقه و حقوق خانواده، سال ۱۸.
- ◀ میشل، آندره، (۱۳۷۰). خانواده در گذشته و حال اروپا، پیام یونسکو.

◀ نوذری فردوسی، محمد، (۱۳۸۴). «سقط جنین در حقوق اسلامی و فمینیسم»، کتاب زنان، سال ۷، ش ۲۸.

▶ Allen, A., (1988), *Uneasy Access: Privacy for women in a Free society*, Totowa, N.J: Rowman and Little field .

▶ Arousell, Jonna, & Aje, Carlbom, (2015). “Culture and religious beliefs in relation to reproductive health”, *journal Best Practice & Research Clinical Obstetrics and Gynaecology*, Vol. 3.

▶ Gilligan, Carol, (1982), *In a Different Voice: Psychological Theory and Women's Development* . Harward Univ. Press.

▶ Mackinnon, C., (1989), *Toward a Feminist Theory of the State*, Combridge, Harvard University Press.

▶ Miller, Jean Baker , (1987), *Toward a New Psychology of Women* 2nd Edition, Beacon Press; Boston.

▶ Perkins Gilman, Charlotte, (1898), *Women and Economics*. Boston, small, Maynard and Company. Available at: <http://digital.library.upenn.edu/women/gilman/economics/economics.html>.

▶ Pizzarossa, Lucía Berro, (2018). “Here to Stay: The Evolution of Sexual and Reproductive Health and Rights in International Human Rights Law”, *Journal of Laws*, Vol. 29, No. 7.

▶ Rawls, John, (1971), *The Theory of Justice*, Belknap Press of Harvard Univ. Press.

▶ Solove , Daniel J, (2002). *Conceptualizing Privacy*, vol. 90., California Law Review.

▶ UN Women, *Monitoring Gender Equality and the Empowerment of Women and Girls in the 2030 Agenda for Sustainable Development: Opportunities and Challenges*, 2015.UN

▶ UNFPA, *Reproductive rights are human rights - a handbook for national human rights institutions*, 2014.